



تصویر شماره ۱: رضا بانگیز در گالری ایران شهر، تهران، تیر ۱۳۹۵

سیاه و سپید: جهانی به مساحت عرصه‌ی عام

یادداشتی بر نمایشگاه آثار رضا بانگیز در گالری ایران شهر تیر ۱۳۹۵

دکتر فریده آفرین

استادیار دانشکده هنرسمان

گالری ایران شهر در تیر ۱۳۹۵ به گزینش، چینش و نمایش آثار رضا بانگیز مبادرت ورزید.

در این نمایشگاه دو طیف آثار هنری دیده می‌شود، طیفی با تکنیک سفال و طیف دیگر با تکنیک حکاکی. دستان هنرمند با حدود ۶ دهه تلاش خستگی ناپذیر از این دو تکنیک بهره می‌جوید تا آثاری متعلق به عرصه‌ی عموم بیافریند. آثاری که با توجه به نحوه و محل نمایش آن، داعیه برانگیختن لذت زیباشناختی هم دارد. موضوع‌ها، تکنیک و نیز سبک اجرا، این هنرمند را به نوعی میراث‌دار نقاشی‌های قهوه‌خانه ژانری متعلق به عرصه‌ی عامه و تصاویر کتب چاپ سنگی می‌کند. در این نمایشگاه شارش نور در ضلع شمالی گالری ایران شهر هیبت انسان‌هایی آشنا با بینی‌های کشیده و اندام‌هایی نه چندان خوش‌تراش را رویت پذیر کرده است (تصویر شماره ۱). زمختی بدن‌های استوانه‌ای شکل و عدم ظرافت اجرایی آن‌ها، روح مجسمه‌های سومری تل اسمر در معبد ابو بین‌النهرین را فرا می‌خواند (تصویر شماره ۲). با این تفاوت که خدایان سومری چشم‌هایی درشت و سراسربین، داشته‌اند و گویی در حال پاییدن همه چیز و همه‌کس بوده‌اند^[۱]، اما نقش جسمانی و زمینی این

۱- باستر کیتون در «فیلم» سامویل بکت نویسنده مشهور ایرلندی روی تصویر مجسمه درشت چشم سومری را برای جلوگیری از دید سراسر بینش می‌پوشاند. خلاصه داستان، درباره‌ی مردی است که نمی‌خواهد دیده شود.





تصویر شماره ۲: مجسمه‌های سفالین، گالری ایران‌شهر، تهران، تیر ۱۳۹۵

به یک صندلی لغزان و راحت تکیه زند و تداوم این هنر را توسط آیندگان به انتظار بنشینند.

جاررختی که بانگیز لباس کاری‌اش را روی آن انداخته (تصویر شماره ۵) به درختی تبدیل شده که از نوک شاخه‌هایش سرشیرهای آب روپیده تا هنرمند، با اتکا به همت پشت کار و لباس پیش کار و ماحصل آن یعنی آثار هنری بذرها و تخم‌های آینده را آبیاری کند. این شاخه‌های درخت است که به مثابه اثر هنری عمق اندیشه و خلاقیت هنرمند به مثابه تنه را برای بالیدن و حیات بخشیدن به دیگران از ریشه که شهود و رویارویی با طبیعت است می‌ستاند. تشبیهی که پل کله به درایت در نوشته‌ای با عنوان «درباره‌ی هنر مدرن» ایراد شده در مرکز هنر پنا^[۵] برای توصیف رابطه‌ی هنرمند و جهان اطرافش از آن بهره گرفت.

در آثار رضا بانگیز، شاهد تسلط رنگ‌های سیاه و سفید هستیم. سیاه و سفید گریه و خنده عموم است^[۶]. سیاه و سفید، رنگ‌های بی‌رنگی‌اند که متعلق است به

افراد پرننگ‌تر از هر نقش دیگری است. لباس این مجسمه‌ها منقش به نقوش هندسی است و با لحاظ کردن تابلوهای کوچکی با همین نقوش، تقلیدی از نقش‌های هندسی گلیم‌ها و فرش‌ها نقوش ادعیه و طلسم‌های قدیمی به نظر می‌رسد. با این چیدمان، گویی رضا بانگیز می‌خواهد از انسان‌های عادی که به سرعت خود و خدماتشان فراموش می‌شوند، اثر یادمانی^[۲] بسازد اثری بر روی پایه و بگذارد ما خوب سپر نگاه کنیم افرادی که سال‌ها با بی‌تفاوتی از کنارشان گذاشته‌ایم و دست‌های پینه بسته و زمخت‌شان را فراموش کرده‌ایم و گذاشته‌ایم زندگی پرمشقتشان به تمامی از یادها برود. در این چیدمان این مردم گویی در یک گردهم‌آیی آیینی دورهم جمع شده‌اند. همین نمایش‌ها و آیین‌های نمایشی هستند که به عنوان برون ریخت خلاقانه‌ی دنیای سرکوب شده‌ی فرهنگ عامه‌پسند تلقی می‌شوند^[۳]. اینجاست که اگر استاد مارکو گریگوریان^[۴] باشد و شاگرد رضا بانگیز، ماحصل مجسمه‌های زمخت سفالین و تابلوهای آغشته به روایت انسان‌های روی خاک است به جای تأمل بر خود خاک و واکنش‌هایش روبروی آب و آفتاب. بانگیز خاک را بهانه‌ای برای چشم دوختن بر انسان‌هایی می‌داند که روی آن قدم گذاشته‌اند، زندگی کرده‌اند و گاه بی‌هیچ اوج و فرودی آن را وداع گفته‌اند.

چیدمان دیگری از میز کار، صندلی راحتی، وزنه‌ی تمرین و جالباسی هنرمند (تصویر شماره ۳) به فضای گالری حس و حال خاصی داده است. بنا به ادعای این چیدمان، داستان یک هنرمند ماهر باید به سختی مغار و پتک ورزیده شود، و با مهارست بر هم‌آوایی دست، مغار و پتک پینه ببندد تا دیگران به نرمی او و آثارش را بپذیرند. هنرمند برای نشان دادن سختی کارش میز، ابزار متنوعش (تصویر شماره ۴) را روبروی ما گذاشته و ماحصلش را هم بر حصارهای ایران‌شهر آویخته است، گویی زین پس می‌خواهد با طیب خاطر برای استراحت

5- Jena Kunstverein

۶- لازم به ذکر است که کیوان مهجور هنرمند مقیم آمریکا نیز طراحی‌های سیاه‌قلم خود را در قالب سیاه و سفید همراه کلام به اجرا در می‌آورد، موضوع نقاشی‌های او گرچه به نحوی در رابطه با امروزه به نظر می‌رسد اما در تبدیل و تبدیل چیزها به فضایی گروتسک نزدیک می‌شود.

2- monumental

۳- پین، مایکل (۱۳۸۳)، فرهنگ اندیشه انتقادی، ترجمه پیام یزدانجو، تهران، مرکز، ص ۱۲۷.

۴- مارکو گریگوریان از تأثیرگذارترین هنرمندان و حامیان هنر دوره مدرن سال ۱۳۰۴ در روسیه متولد و سال ۱۳۸۶ در ایران ارمنستان در گذشت. مجموعه معروف آثار خاکی او مستقل از جریان هنر غربی با نگاهی به خاک و در حقیقت ریشه‌های هویت آفرین شروع شد. در اواخر بهار و تابستان ۱۳۹۵ نگارخانه داستان دو، نمایش و فروش چندی از این هنرمند را به عهده داشت.



تصویر شماره ۲: مجسمه‌های معبد ابوتل اسمر

همه و هیچ کس. با وجود این، بانگیز در کارهای جدیدترش با تلفیق عکس-نقاشی از رنگ، کلام و نوشته بیشتر استفاده می‌کند (تصویر شماره ۶). اما در این نمایشگاه روح برخی آثار رضا بانگیز یاد داستان‌های مصور فکاهی را زنده می‌کند، همان‌طور که هنرمندان پاپ چون روی لیختن اشتاین و نیز اندی وار هول برای برجسته کردن داستان‌های پیش پا افتاده روزمره از این روش استفاده کردند. به هر حال داستان مصور کمیک هنری مردمی است و متعلق به عرصه‌ی عموم. قالب‌هایی مانند قطعات طنز؛ مدهای زودگذر و داستان‌های مصور کمیک را که تعداد زیادی از مردم به

شکلی متداوم آن‌ها را مصرف می‌کنند، فرهنگ مردمی یا عوام پسند^[۷] می‌خوانند^[۸]. از آنجا که در این نمایشگاه می‌توان بین موضوع‌های پیوسته‌ای چون تولد، عشق، ازدواج و خرده روایت‌های دیگر، داستانی در نظر گرفت به نوعی رگه‌های داستان مصور کمیک را می‌توان در آن دنبال کرد. اجرای کمیک تابلوی سماع (تصویر شماره ۷) و نیز تابلوی کنار آن که مولانا و

شمس به دنبال هم‌اند (سجاده‌نشین باوقاری بودم بازیچه کودکانم کردی)، نیز تأییدی بر وجه طنزآمیز بازگویی روایت‌های آشنا است. در تابلویی دیگر کبوتر صلح زیتون آشتی به منقار (تصویر شماره ۸) گرفته است و از زندان دست‌های انسان در حال فرار است، گویی این کبوتر هم به گونه طنزآمیز، بر بی‌اعتباری نمادین خود صحنه می‌گذارد و از چنگ انسان نمادساز و قافیه‌پرداز می‌گریزد. نمادسازی گویی دل‌مشغولی همیشگی بشر است، بدون اینکه مصادیقی در دست باشد، نماد



تصویر شماره ۳: چیدمان میز کار چاپ هنرمند و جالباسی درخت گون، گالری ایران‌شهر، تهران، تیر ۱۳۹۵

شکل می‌گیرد و بدین ترتیب کبوتر زیتون به منقار، صرفاً قاعده‌ی تأمل بر مفهومی مانند صلح فراهم می‌آورد، بی‌آنکه گواه و مصداقی بر آن مدعا بتوان یافت.

علاوه بر نمایش دغدغه‌های روزمره مردم در آثاری چون مرد بازاری، لبو فروش محل، بلال فروش و ماهی فروش اغلب موضوع آثار تابلوها-به نوعی درباری مراسم و اعیاد و نیز جشن‌هایی است که از مؤلفه‌های مشخص‌کننده آن‌ها حضور یک دلچک یا ملعبه‌باز (تصویر شماره ۹) است که ادا و اطوار او در مراسم و اعیاد با ساز، دهل، دایره و تنبک همراه می‌شود و بیشتر از یک



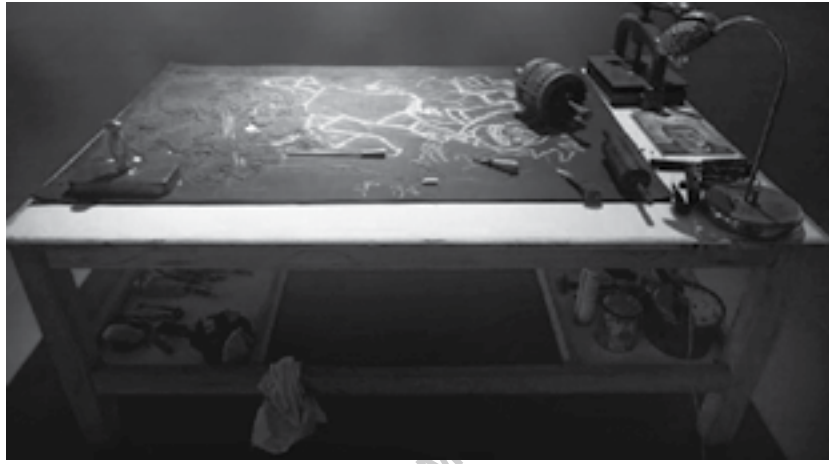
تصویر شماره ۴: چیدمان میز کار هنرمند، گالری ایران‌شهر، تهران، تیر ۱۳۹۵

رسم قاجاری نشأت می‌گیرد. در نمایشگاه‌های پیشین او حتی به مراسم عمومی مردمی و عزاداری مانند دهه فجر، شهادت امام حسین (ع) هم پرداخته است، مراسم‌های جمعی محل اشتراک امر خصوصی و حوزه‌ی قدرت به شمار می‌آید. از یک طرف در مراسم مذهبی در آن باورهای

7- Popular culture

۸- آسابرگر، آرتور، (۱۳۸۵)، نقد فرهنگی، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ص ۱۴۹.





تصویر شماره ۴: نمایی دیگر از تصویر میز کار هنرمند

افراد تجلی عمومی می‌یابد و از طرف دیگر این تجلی، باید در مرزهای معین سازوکارهای قدرت مسلط حرکت کند، تا کنترل شود. از سویی مراسم ازدواج است که وجود این مراسم است که اعضای جامعه را جامه‌ای با نقش‌های مشخص می‌پوشاند و در محدوده‌های تعیین شده و لبه‌های مشخص چارچوب می‌دهد، تا در جرگه شخصی بهنجار در جایگاهی که قدرت مسلط بر او تعیین می‌کند، قرار گیرد. این آثار در کل نشان می‌دهد که این گردهمایی‌ها به همان میزان که قابلیت اثرگذاری بر روابط قدرت را دارد، می‌تواند توسط قدرت برای نیل به اهداف خاص، مورد استفاده قرار گیرد. به تعبیر دیگر این گردهمایی‌ها، جشن‌ها، مراسم عزاداری و آیینی زنده‌کننده مراسم اساطیری است که از دوره‌های پیشین به منظور تضرب آرا یا گبرایی دعا و نیز طلب بارش باران و باروری گیاهان صورت می‌گرفته است. «بدون عنوان» اغلب کنار هر یک از چیدمان‌ها و تابلوهای هنرمند، نقش بسته و شاید بدین معنی است که این آداب و رسوم، مراسم عمومی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف برای یک ایرانی، معنا دارد و البته هویت می‌بخشد، در نتیجه فراتر از آن هستند که با اطلاق عنوان، بخواهیم آن را به یک دوره، یک قشر، یک قوم خاص و یک حوزه محدود کنیم. این آثار تصاویر مجازی آیینی‌ای است که گویی هر برهه‌ی زمانی را در برمی‌گیرد، بر سکوی اکنون ایستاده است و بدون اینکه به طور مستقیم به قلاب تجدد غربی بیاویزد، چون قالبی تصاویر مردمی دوران گذشته و آینده ایران را با خود هماهنگ می‌کند. ■



تصویر شماره ۵: چیدمان جالباس هنرمند، گالری ایران‌شهر، تهران، تیر ۱۳۹۵



تصویر شماره ۶: ارتزاق مرد ماهیگیر، تکنیک حکاکی و نقاشی، گالری ایران‌شهر، تهران، تیر ۱۳۹۵



تصویر شماره ۹: آداب و رسوم مراسم عروسی، تکنیک حکاکی و نقاشی، گالری ایران‌شهر، تیر ۱۳۹۵.



تصویر شماره ۸: کبوتر صلح در اسارت انسان، سوئمن تابلو از راست در دیوار روبروی چیدمان، تکنیک حکاکی و نقاشی، گالری ایران‌شهر، تیر ۱۳۹۵



تصویر شماره ۷: سماع، تکنیک حکاکی و نقاشی، گالری ایران‌شهر، تیر ۱۳۹۵